

ظهور و سقوط اسلام سیاسی در آسیای مرکزی^۱

میشل گاردز^۲

سید علی حسینی قمصری^۳

مسعود بهرامیان^۴

چکیده

آسیای مرکزی شامل پنج کشور ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان می باشد که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به استقلال دست یافتند. این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیکی که از آن برخوردار بود، همواره متاثر از فرهنگ‌ها و اقوامی بود که در راستای منافع خود، بر آن تاثیرگذار بودند و یا قصد تصرف آن را داشتند. اسلام در آسیای مرکزی، محوری است که این مقاله حول آن شکل گرفته است. چهار کتابی که در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفته، بر تاریخ آسیای مرکزی و ورود اسلام بعد از استقلال جمهوری‌های شوروی از آسیای مرکزی متمرکز است. نگارنده در این مقاله تلاش نموده تا مشخص نماید که چرا جنبش‌های اسلامی مشخصی موفق شدند قدرت را در این منطقه به دست گیرند در حالی که دیگران موفق نشدند؟ و اینکه دلیل ظهور جنبش‌های اسلامی^۵ نظامی و علل توسعه و انحطاط آنها چیست؟

واژه‌های کلیدی: آسیای مرکزی، اسلام، اسلام سیاسی، جنبش‌های اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از مقاله «The rise and fall of political Islam in Central Asia» (Religion 33 (2003) 161° 169)

۲. استادیار مطالعات مذهبی در دانشگاه اتاوا

۳. کارشناس ارشد تاریخ اسلام، کتابدار کتابخانه عمومی شهر قمصر astali1359@yahoo.com

bahramian@motahari.ir

۴. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۳

مقدمه

این مقاله چهار کتابی را که اخیراً منتشر شده و هر کدام از آنها تاریخ‌های آسیای مرکزی و ساختارگرایی اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد، مرور می‌کند. در گذشته آسیای مرکزی چهار راه اصلی در تاریخ آسیا بوده است، منطقه‌ای که از مراکز تمدنی و فرهنگ‌های متنوع چادر نشینی تاثیرات مستمری پذیرفته است. آسیای مرکزی برای سده‌هایی ارتباط بسیار نزدیکی با جاده ابریشم داشته است. مذاهب دنیا در طول این شریان تجاری-باستانی گسترش یافته‌اند. راهبان بودایی، واعظان نستوری، خاخام‌ها، مبلغان زرتشتی و مانوی در این راه‌ها به ناچار با یکدیگر برخورد داشته‌اند. مذاهب اصلی هند، چین و ایران آزادانه و به صورتی صلح آمیز در این سرزمین سنت‌های شمنی، پراکنده شده‌اند. شکست ارتش چین در نبرد تالاس (Talas) در سال ۷۵۱ میلادی/۱۳۸ قمری، یک حادثه تاثیرگذار در اوایل تاریخ آسیای مرکزی بوده است. این شکست نظامی مقدمات اسلامی شدن منطقه را فراهم کرد. در نتیجه چینی‌ها در یک سده بعدی از این قسمت دوری گزیدند.

تنها در سده‌ی ۱۸ میلادی/۱۲ قمری بود که منچو‌ها توانستند با تحت کنترل گرفتن واحه‌ی بیابان تاکلامکان و منطقه‌ای که امروزه مطابق سین کیانگ، منطقه‌ی اویغوری خودمختار چین که سابقاً به عنوان ترکستان چین شناخته می‌شد؛ شرافت از دست رفته‌ی چین را بازگردانند.

تاریخ جدید آسیای مرکزی با روسیه تزاری و اتحاد شوروی امتزاج یافته است. فتوحات نظامی روسیه در این منطقه در پایان سده ۱۸ میلادی شروع و در دهه‌های پایانی سده ۱۹ میلادی / ۱۳ قمری به پایان رسید. روس‌ها بعد از آرام کردن قلمروهای ترکمن، قزاق و قرقیز، امپراطوری خود را تا مرزهای ایران و افغانستان توسعه دادند. روش روس‌های تزاری - که بعد از آنها به وسیله اتحاد جماهیر شوروی دنبال شد - «تفرقه بینداز و حکومت کن» بود. بین سال‌های ۱۹۲۴ و ۱۹۳۶ میلادی / ۱۳۴۳ و ۱۳۵۵ قمری شوروی‌ها جمهوری‌های سوسیالیستی مستقل خود را در سرزمین‌های تازه فتح شده تشکیل دادند. چنان که مشهور بود برخورد سیاسی روس‌ها نسبت به اسلام سختگیرانه بود. هدف نظریه پردازان و حزب کمونیست این بود پرولتاریا را از سرسپردگی به افیون اسلام رها ساخته کند (پرولتاریا را از افیون اسلام سمزدایی و رها سازد). تبلیغات ضد مذهبی یک مشخصه بارز اتحاد جماهیر شوروی بود. (Powell 1975) تعداد قابل توجهی از مساجد و مدارس بسته و تمامی فعالیت‌های مذهبی به وسیله دولت‌هایی که رسماً مطرود بودند غیر قانونی اعلام شد.

با تجزیه اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی / ۱۴۱۲ قمری، پنج جمهوری آسیای مرکزی (قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان) خود را کشورهای مستقلی اعلام کردند. اکثریت بزرگی از مسلمانان، را سنیان حنفی تشکیل می‌دهند و شیعیان و اسماعیلیان نیز در کنار اهل سنت زندگی می‌کنند. هزاران شیعه در شهرهای سمرقند و بخارا (ازبکستان) ساکن شده‌اند. (Bennigsen 1985a; Bennigsen and Broxup; 1983) در عمل درصد بزرگی از مسلمانان آسیای مرکزی در سنت علمی- ملحدانه اتحاد جماهیر شوروی تعلیم دیده بودند.

از زمان استقلال، سیاست‌های پیرامونی اسلام، (به سادگی) دنباله نمونه‌های مفصلشان به وسیله سیاستمداران سابق کمونیستی است. در واقع در طول ۱۰ سالی که جمهوری‌های پنج‌گانه به صورت کشورهای مستقلی تغییر شکل دادند، وضعیت تغییر قابل توجهی پیدا نکرده است. توسعه پیوسته فعالیت‌های براندازی بنیادگرایان مسلمان- به ویژه در ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان- به تدریج آسیای مرکزی را تبدیل به یک بمب ساعتی بالقوه کرد. دره فراغنه مهمترین مرکز اسلام نظامی است. عواملی چند موجب ایجاد محبوبیت نسبی این منطقه نزد اسلامگرایان شده است. فساد، پارتی بازی، کاهش استاندارد‌های زندگی و بیکاری محلی، مردم زیادی را به آغوش جنبش‌های افراطی رادیکال سوق داد؛ تا همین اواخر هدف‌های توسعه طلبانه رژیم طالبان در افغانستان بر موقعیت سیاسی آسیای مرکزی قویاً تأثیر گذاشت.

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی / ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۲۲ قمری و سقوط رژیم طالبان این وضعیت شدیداً تغییر یافت. ظاهراً، دست کم مرکز ثقل جنبش‌های نظامی اصلی آسیای مرکزی یا در اثر بمباران ایالات متحده خرد و خنثی شد. یا به وسیله مداخلات نظامی، دولت‌های مختلف آسیای مرکزی مضمحل و یا بی‌اثر شدند.

رزمندگان مسلمان

احمد رشید (متولد ۱۹۴۵ میلادی / ۱۳۶۴ قمری) به معنای رسمی کلمه یک تحصیلکرده نبود. او یک روزنامه‌نگار با تجربه و خبرنگار مطالعات اقتصادی خاور دور و دیلی تلگراف است. او وقت و انرژی زیادی را صرف گزارش جریان‌های مختلف آسیای مرکزی کرد. کتاب طالبان او (۲۰۰۲ میلادی / ۱۴۲۳ قمری) به هفت زبان ترجمه شد و جایگاه برجسته‌ای در لیست پر فروش‌ترین کتاب‌های نیویورک تایمز به دست آورد. کتابی که

اکنون مرور می‌کنیم دانش ما را در مورد جایگاه معاصر اسلام نظامی در جمهوری‌های سابق شوروی در آسیای مرکزی تکمیل می‌کند. بخش اول این کتاب در مورد تاریخ اسلام است. بخش دوم نکات بسیار جالبی را از گسترش جنبش‌های اسلامی از ۱۹۹۱ میلادی / ۱۴۱۲ قمری طرح می‌کند. گهگاه در بخش‌هایی رشید خوانندگان را با اطلاعات آماری که ارائه داده تحت تأثیر قرار می‌دهد بدون اینکه به منابع خود اشاره‌ای داشته باشد. بخش چهارم شامل هفت مطلب منحصر به فرد است که در ۳۵ صفحه آورده شده است. البته داده‌های آماری گهگاه نادرست است. برای مثال ۹۳ درصد قرقیزستان کوهستانی نیست؛ یا اینکه منشأ قرقیز از اردوی زرین چنگیز نیست. اعتبار اطلاعات نویسنده به خاطر فقدان ارجاعات کتاب‌شناسی، در برخی موارد باید قابل تردید تلقی گردد.

مقاله اصلی رشید در بخش دوم نوشته او برجسته می‌شود و چهارچوب آن بر روی مصاحبه‌هایی که بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ میلادی / ۱۴۱۹ تا ۱۴۲۲ قمری انجام شده، قرار گرفته است. در قسمت عمده‌ی این بخش، نویسنده از اصل و توسعه سه جنبش اصلی اسلامی در آسیای مرکزی بحث می‌کند: حزب نوزایی اسلامی، حزب التحریر و جنبش اسلامی ازبکستان. این جنبش‌ها به طور کلی به شریعت اهمیت داده‌اند. آنها هیچ برنامه اقتصادی کارآمد و هیچ پایگاه سیاسی مستحکم نداشته‌اند. قبل از حملات هوایی اتحاد جماهیر شوروی، اعضای جنبش اسلامی ازبکستان در افغانستان پناه می‌گرفتند. در آن زمان آنها یکی از بزرگترین تهدیدات برای ثبات آسیای مرکزی به شمار می‌رفتند باید منتظر بود و دید آیا این جنبش از خاکستر خواهد خواست.

رشید موفقیت جنبش‌های اسلامی در آسیای مرکزی را به ویژگی‌های سرکوب‌کننده رژیم‌های مختلف سیاسی، نسبت می‌دهد. سیاستمداران مستبد جمهوری‌های جدید آسیای مرکزی از برقراری اصلاحات دموکراتیک امتناع کردند. بنابراین توان جنبش‌های اسلامی را تقویت کردند. گروه‌های مختلف در این زمان به وعده‌های عجیبی به جوانانی می‌دادند که در جستجوی زندگی بهتر بودند.

نویسنده خاطر نشان می‌کند که نیاز است که تصدیق کنیم کاهش سطح استاندارد زندگی و بیکاری محلی به طور مساوی در توسعه‌ی سریع جنبش‌های اسلامی موثر هستند. (در ضمیمه نسخه فرانسوی کتاب رشید، الیور روی بر این نظر است که حذف رژیم طالبان به ثبات آسیای مرکزی کمک خواهد کرد. او معتقد است که نسل‌های جوان تر توسط جنبش‌های افراطی اسلامی اغوا خواهند شد. علاوه بر این، روی در آینده نزدیک

آسیای مرکزی، دموکراسی را پیش بینی نمی کند. دولت‌های این منطقه بدون توجه به میزان افراط‌گراییشان، تمام جنبش‌های اسلامی مبارز را به عنوان خطر نگاه می‌کردند. در نتیجه رژیم‌هایی که با روش‌های شوروی آموزش دیده‌اند تلاش کرده‌اند، از این جنبش‌ها و موفقیت‌هایشان جلوگیری کنند.

چشم انداز ژئوپلیتیکی نویسنده از فحوای اثرش هویداست. او ادعا می‌کند که ذخایر بی اندازه نفت و گاز آسیای مرکزی مورد طمع روسیه، چین و آمریکا است. در حقیقت راه‌های جاده ابریشم باستانی هم اکنون به خط لوله‌های نفتی تغییر مشغول تبدیل شدن هستند. ثروت این زمین‌ها تعداد قابل توجهی از کمپانی‌های نفتی را به شهرهای مرکزی آسیای مرکزی و قفقاز جذب می‌کند. بهره برداری از این ذخایر باور نکردنی نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان در جریان صادرات نفت به سوی بازارهای مصرف کننده، تبدیل به یک بازی استراتژیک همراه با جوایز هنگفت شده است. بنابراین این سوال در مورد موقعیت این خط لوله‌های آشکار هنوز نامعلوم است. این بازی بزرگ جدید (بازگشت به دسیسه‌های سیاسی سده ۱۹ میلادی / ۱۳ قمری بین بریتانیا و روسیه) تبدیل به یک شوق و لذت هم برای دانشمندان جوان علوم سیاسی و هم استراتژیست‌های مجرب شده است. خلاصه این که رشید، یکی از بانیان این فرضیه است که آسیای مرکزی ممکن است محل جنگ جهانی بعدی باشد.

این کتاب شامل مرجع شناسی نیست. رشید فقط تعداد کمی از یادداشت‌ها را آورده است. منابع ضرورتاً از خبرگزاری‌ها هستند. با این حال او حق سپاسگذاری از «الیور ری» (oliver Roy) و «برانت رابین» (Baranett Rubin) را به جا آورده است. یک واژه نامه به همراه دو نقشه وجود دارد که در حقیقت برای خواننده ناآشنا ارزشمند خواهد بود. تنها ضمیمه، مدرکی است که حاوی اعلام جهاد علیه حکومت ازبکستان است. نشان می‌دهد. این منبع فوق العاده آموزنده است و الگوهای رایج در گفتمان اسلامی را روشن می‌کند. کتاب رشید برای خوانندگانی که علاقمند به موقعیت اسلام نظامی، در جمهوری‌های سابق شوروی آسیای مرکزی هستند ضروری است.

زوال اسلام سیاسی

«گیل کپل» (Gilles Kepel) پروفیسور انستیتوی علوم سیاسی در پاریس است. او هشت کتاب به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در مورد ساختار‌گرایی نوشته است. کتابی را که مرور می‌کنیم (جهاد، زوال اسلام سیاسی،

۲۰۰۰ میلادی / ۱۴۲۱ قمری) ابتدا در فرانسه چاپ شد. من برای اهداف این بازخوانی از چاپ فرانسه به جای چاپ انگلیسی. اگر چه کتاب کپل مستقیماً به موقعیت ساختارگرایی اسلامی را در آسیای مرکزی نپرداخته است، داده‌های تطبیقی مهمی ارائه داده که ممکن است در فهم بهتر ریشه‌های این پدیده مورد استفاده قرار گیرد.

کتاب کپل خلاصه‌ای عالی از وقایع شکل دهنده‌ی بنیادگرایی اسلامی در سده‌ی بیستم را ارائه می‌دهد. (Lewis Esposito 1999; 2002) هدف این کتاب ارائه‌ی شرحی از پدیده بنیادگرایی اسلامی در ربع آخر این قرن است؛ تا تحول آن و عناصر مختلفی که شامل می‌شود و همچنین روابط اسلام و محیط پیرامون را مطالعه کند. سوالی که نویسنده سعی می‌کند به آن جواب دهد این است که: چرا جنبش‌های اسلامی مشخصی موفق شدند قدرت را به دست گیرند در حالی که دیگران موفق نشدند. در جستجوی جواب، او تاریخ اخیر جنبش‌های مختلف در فلسطین، ترکیه، مالزی، پاکستان، ایران، الجزایر، سودان، بوسنی، اردن و مصر را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده موضوعات مورد بررسی را عمیقاً مورد کاوش قرار داده است. ۱۲۳ صفحه یادداشت شاهدهی بر کیفیت تحقیق کپل است. یک واژه نامه و هفت نقشه که (با توجه به حجم کتاب) به اندازه‌ی مکفی سودمند اند، پیوست کتاب هستند. در واقع نویسنده یک دیدگاه جالب برای کسانی که علاقمند برای مطالعه اسلام سیاسی در سده ۲۰ میلادی / ۱۴ قمری هستند ارائه می‌دهد. او شکل‌گیری چندین جنبش اسلامی را در حدود دهه ۱۹۷۰ میلادی / ۱۳۹۰ قمری شرح می‌دهد. این جنبش‌ها اعضایشان را از میان بورژوا، طبقه متوسط پرهیزگار و طبقات فقیر جوان، از مراکز شهرها می‌گرفتند. طی ۱۰ سال این جنبش‌های بنیادگرای اسلامی، مرجع اصلی در این جوامع شدند. بنیادگرایان وعده دادند که عصر طلایی اسلام را طبق تعلیمات محمد پیامبر دوباره برقرار می‌سازند. در حقیقت این مدینه فاضله به صورت جنجالی در برابر نظام‌های فاسد، شکست اقتصادی و دیکتاتوری مطرح شد. تئوریسین‌های بزرگ این جنبش در پاکستان؛ مودودی، در مصر قطب و در ایران خمینی بودند. علاوه بر آن عربستان سعودی نقش مهمی در عرضه اسلام سخت‌گیرانه‌ی مورد نظرش در سراسر دنیا بازی می‌کرد.

نزد عموم مشهور است که این کشور به گروه‌هایی که این نوع مشخص از اسلام را حمایت می‌کردند، کمک مالی وافر می‌کرد. عربستان سعودی، حافظ مقدس‌ترین اماکن اسلام، بنابراین اغلب مواجه با تهمت‌هایی در رابطه با حمایت مالی گروه‌های درگیر در تروریسم بین‌المللی است. علاوه بر آن ایران و عربستان سعودی در

گیر یک نبرد طولانی برای اشاعه دیدگاه خودشان در مورد اسلام بودند. نتیجه این است که تهران تلاش کرد تا نوع خاص اسلام انقلابی را صادر کند در حالی که عربستان سعودی به عنوان یک همراه بی صدا برای گروه‌هایی در آمد که مدعی نمایندگی وهابیت بودند.

به دنبال تهاجم شوروی به افغانستان، جهاد افغان یک آرمان عالی اسلامی شد. این وضع ادامه داشت تا اینکه آرمان فلسطینی در اندیشه‌ی عرب جایگیر شد و در نتیجه در سیر از ملی‌گرایی به اسلام‌گرایی اثر گذاشت. مجاهدان یک ایدئولوژی اسلامی را به نمایش گذاشتند که بر محور برخورد نظامی متمرکز شده بود. در سال ۱۹۸۹ میلادی / ۱۴۱۰ قمری این جنبش توسعه طلبانه به بالاترین مرتبه خود رسید: انتفاضه، حماس (جبهه آزادی اسلامی در آفریقا) و کودتا در سودان که «حسن الترابی» را به قدرت رساند، علاوه بر عقب نشینی روسیه از افغانستان، مناظره در مورد استفاده از حجاب در مدارس سکولار فرانسه و موضوع سلمان رشدی، سال ۱۹۸۹ میلادی / ۱۴۱۰ قمری را کاملاً قابل توجه کرد.

به هر حال به قدرت رسیدن طالبان، کشتن شیعیان بوسیله اهل سنت در پاکستان، قتل عام هندوها در کشمیر، حماقت کشنده در الجزیره، شکست ارباکان در ترکیه و انتخاب خاتمی در ایران نمونه‌هایی از زنگ اسلام نظامی هستند که به صدا در آمد. جوان فقیر شهری، بورژوازی و طبقه میانه مذهبی شروع به دیدن تفاوت‌های شکاف‌های موجود میان نقش‌های مربوطه خود کرده اند. کپل در صفحه ۱۳ این گونه مطرح می‌کند که جنبش‌های اسلامی از دهه ۱۹۹۰ میلادی / ۱۴۱۱ قمری در حال زوال بودند. او یکی از معتقدان به این است که ایدئولوژی این جنبش‌ها وارد یک مرحله‌ی افراط شده بود. طبق گفته او این قسمت در آغاز سده ۲۰ میلادی / ۱۴ قمری شروع می‌شود. چاپ فرانسوی این کتاب در این مورد بحث می‌کند که با آمدن هزاره جدید، ما شاهد خواهیم بود که جهان اسلام بدون هیچ مشکلی وارد مدرنیته می‌شود. حال آنکه حوادث اخیر جور دیگری نشان می‌دهند. برای مثال انتخاب اخیر در ترکیه که با وجود یک حزب میانه رو، منجر به انتخاب یک اسلامگرا شد.

کپل در مقدمه چاپ انگلیسی این کتاب در پرتو حوادث مربوط به ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی / ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۲۲ قمری اصلاحات مهمی کرده است. متن اصلاح شده از بعضی جهات کاملاً با متن اصلی متفاوت است. چنان که به نظر می‌رسد نویسنده - اگر من اشتباه نکرده باشم - همه ارجاعات مربوط به ورود موفق تمام جهان اسلام به مرحله‌ی انحراف در قرن بیستم را حذف کرده است. بدون این

تغییرات مهم به نظر می‌رسد کتاب کپل به خاطر حوادث ۱۱ سپتامبر / ۲۲ جمادی الثانی دچار انحطاط کهنگی زودرس می‌شد. آن روز مهم در سال ۲۰۰۱ میلادی / ۱۴۲۲ قمری به عنوان نشانه‌ای در تاریخ معاصر اسلام ثبت شد. از این نقطه به بعد آثاری که به مطالعه اسلام اختصاص یافته، باید به بعد یا قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر طبقه بندی شوند. ما تنها می‌توانیم امیدوار باشیم عناصر متمرکز در جوامع اسلامی هرچه سریع تر مدرنیته را بپذیرند تا اینکه سناریوی کمابیش ناخوشایند برخورد تمدن هاساموئل هانتینگتون را انتخاب کنیم. (Huntington 1993, 1996) متأسفانه باید گفته شود که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر تئوری دوم برای همه مردم با وضوح بیشتری قابل پیش بینی بود.

میراث روسیه

الیور روی (Oliver Roy) (متولد ۱۹۴۹ میلادی / ۱۳۶۸ قمری) یک چهره شناخته شده در مطالعات آسیای مرکزی است. (2000 Roy pp. 12, 19) او مدیر تحقیقات در مرکز ملی پژوهش علمی و پروفیسور انستیتو علوم سیاسی در پاریس است. او چندین کتاب و مقاله با موضوعات متنوع مربوط به آسیای مرکزی نوشته است. کتاب مورد بررسی ما مطالعه دوره معاصر آسیای مرکزی است. سه بخش اول که شامل نیمی از کتاب است، تقریباً به طور کامل به تاریخ آسیای مرکزی اختصاص یافته است. بحث نویسنده از دوره معاصر در واقع تا حدودی کم است. اگر چه «وینسنت فورنیو» (Vincent Fourniau) قبلاً یک مجموعه عالی از آسیای مرکزی منتشر کرده بود (در همان مجموعه منتشر شد)، کتاب «فورنیو» در کتاب شناسی «ری» نیامده است. (Dani and Masson 1997° 2000; Roux 1997)

همان طور که به وسیله ری برجسته شده، اسلام بعد از هفت دهه از حکومت روسیه از خواب برخاست. نویسنده بخش چهارم را به این مسأله اختصاص داده است. او چهار جنبش اصلی که در برقراری مجدد اسلام در آسیای مرکزی نقش داشته را شرح می‌دهد. اولین آنها شامل افراد متعلق به خود اسلام رسمی است. در اصل این بیان از اسلام باقی مانده از روحانیت رسمی است که بنیان آن در ساختارهای شوروی سابق گذاشته شد. حکومت‌های جمهوری‌های مختلف، این شکل اول از اسلام را از لحاظ سیاسی صحیح تشخیص دادند. دومین جنبشی که نقش مهمی در روند تجدید اسلام در آسیای مرکزی بازی کرد، شامل اعضای از روحانیت موازی می‌شد. ملاهایی که مساجد مستقل با یا بدون

وابستگی به دیدگاه‌های مذهبی و سیاسی شان، اداره می کردند شکل محافظه کارانه از اسلام را اشاعه می دادند. سومین جنبش شامل آنهایی می شد که متعلق به اسلام رادیکال بودند. گروه‌های موسوم به وهابی‌ها متعلق به این گروه هستند. این اصلاح طلبان بنیادگرا لزوماً همان‌هایی نیستند که با عربستان سعودی روابط نزدیک داشتند. در این جا نویسنده مختصراً جنبش‌های مختلف اسلامی را که با اسلام نظامی وابسته است شرح می دهد. چهارمین جنبشی که نقش مهمی در احیاء اسلام در آسیای مرکزی بازی کرد صوفیه بود. به غیر از بعضی از اظهارات مختصر پیرامون سوفیزم در تاجیکستان، «روی»، چیز زیادی در مورد جایگاه امروزی سوفیزم در آسیای مرکزی نگفته و فقط اشاره کوتاهی به تلاش نوایمانان برای احیاء آن کرده است. اطلاعات اضافی در مورد جایگاه واقعی سوفیزم در منطقه ای که اخوت نقش مهمی بازی کرده بود، می توانست برای خوانندگان سودمند باشد. نویسنده مدعی است که صوفی گری غیر سیاسی است، و دیدگاهی را که بر خلاف تعالیم وهابیان است اشاعه می دهد.

بخش ۵ و ۶ به تحلیل روابط ژئوپولیتیکی و یک مبحث از سوال‌هایی که مربوط به توسعه‌های اقتصادی است، اختصاص یافته است. بخش‌های ۷ تا ۱۱ در اصل ضمیمه‌هایی هستند که نمایه‌ای از کشورهای آسیای مرکزی ارائه می دهند. کتاب شناسی به طور تأسف انگیزی مختصر به نصف صفحه است همراه با چندین اثر مهم که از قلم انداخته شده است. علاوه بر آن بعضی از کتاب‌هایی که در متن کتاب از آن‌ها نقل قول شده است، در کتاب شناسی نیامده است. کوتاه اینکه نقطه ضعف اصلی این کتاب به داده‌های نویسنده بر می گردد. بی شک تجربه‌ی میدانی گذشته‌ی وی اطلاعات قابل توجهی درباره‌ی تاجیکستان برای وی فراهم کرده است اما مشخص نمی کند که اطلاعاتش درباره‌ی سایر کشورهای آسیای مرکزی را از کجا به دست آورده است اما در جایی که «ری» اطلاعاتش را در مورد دیگر کشورهای آسیای مرکزی به دست آورده است، این حقیقت روشنگر نمی باشد.

برداشت کلی تاریخی

«سوچک»، کتاب شناس مطالعات آسیای مرکزی در کتابخانه دانشگاه پرینستون است. هدف او ارائه یک دید کلی در مورد تاریخ آسیای داخلی است. او این مفهوم جغرافیایی را این گونه شرح می دهد: پنج جمهوری سابق شوروی؛ مغولستان و سین کیانگ. او توصیفش را با ورود اسلام به آسیای مرکزی در سده

هفتم شروع می‌کند. مقدمه مفصل او (۴۵ صفحه از ۳۰۰ صفحه) شامل داده‌های دقیق جغرافیایی؛ تاریخی؛ مردم شناسی و فرهنگی می‌باشد.

داده‌های زیاد تاریخی و جغرافیایی، ریسکی است که ممکن است به دلسردی خوانندگان غیر متخصص بینجامد. بخش اول و دوم مربوط به فتح تدریجی آسیای مرکزی به وسیله مهاجمان ایرانی می‌باشد. بخش سوم تاریخ با شکوه سامانیان را شرح می‌دهد. بخش چهارم پادشاهی باستانی ایغور در قوچو را شرح می‌هد. بخش‌های پنجم و ششم سه سلسله ترک که مسلمان شدند یعنی قراخانیان؛ غزنویان و سلجوقیان را مرور می‌کند. نویسنده در بخش هفتم در مورد مغولان و تاریخ کوتاه اما پرشور امپراطوری چنگیزخان بحث می‌کند. بخش هشتم جغتائیان و اسلام آوردن برخی از خان‌های این سلسله را مشخص می‌کند. بخش‌های نهم و دهم و یازدهم امپراطوری تیموری و ازبکان را مورد پژوهش قرار می‌دهد. در بخش‌های دوازدهم و سیزدهم زوال مغولان و ظهور روس‌ها را در آسیای داخلی شرح می‌دهد. بخش چهاردهم نقش خانان بخارا؛ خیوه و خجند را در طول سده‌های ۱۷ تا ۱۹ میلادی / ۱۱ تا ۱۳ قمری، تجزیه و تحلیل می‌کند. بخش‌ها پانزدهم تا بیستم، دوره‌های تاریخی روسیه و شوروی را در آسیای مرکزی تا دوره معاصر شامل می‌شود. نویسنده در بخش‌های نوزدهم و بیست و یکم در مورد سین کیانگ و مغولستان بحث می‌کند.

کتاب دارای دو ضمیمه است: ضمیمه اول خلاصه سودمندی از سلسله‌های یاد شده در این کتاب ارائه می‌کند. ضمیمه دوم اطلاعات کلی در مورد کشورهای مختلف آسیای مرکزی شامل بررسی مشروحاتی از تنوع قومی و مذهبی ارائه می‌کند و موقعیت جغرافیایی ایالت‌های مختلف مستقل را تحلیل می‌کند. نویسنده در کتاب شناسی عالی خود تعدادی از مراجع خود را شرح داده است. فهرست، کامل نیست با این حال به عنوان یک فرهنگ واژگان هم عمل می‌کند. نویسنده ۱۳ نقشه را در کتاب خود آورده است. این ابزارها برای خوانندگانی که با جغرافیا و تاریخ آشفته آسیای مرکزی نا آشنا هستند، ضروری خواهد بود. خوانندگان کتاب باید جزئیات زبان شناختی را که باعث ثقل مطلب می‌شوند را مورد بخشش قرار دهند. این دانشمند و کتاب شناس دانشگاه پرینستون در جای جای کتاب دانش گسترده‌ی خود در این زمینه را به رخ کشیده است. او کمتر از ۲۵ صفحه را به گسترش موقعیت کنونی جمهوری‌های آسیای مرکزی اختصاص داده است. خوانندگان فقدان اطلاعات در مورد تاریخ اخیر یعنی از استقلال جمهوری

های سابق روسیه تا دوره انتشار این کتاب را متوجه خواهند شد ولی هنوز کتاب «سوکک» یک اثر ترکیبی عالی است.

پایان اسلام سیاسی در آسیای مرکزی؟

به عنوان نتیجه انعکاس تعدادی از سوالاتی که به وسیله کتاب‌های مورد بررسی در این مقاله آمده، مفید خواهد بود. جدا از «کپل» نویسندگان در مورد کلیات تاریخ آسیای مرکزی و نوزایی اسلام بعد از استقلال جمهوری‌های شوروی از آسیای مرکزی بحث کرده‌اند. ما می‌توانیم چهار گرایش یا تمایل اصلی که با نوزایی اسلام پیوسته بود را شناسایی کنیم. نخستین گرایش چیزی است که ممکن است اسلام کاملاً سیاسی نامیده شود. این اصطلاح اشاره به آن نوع از اسلام دارد که از ساختارهای روحانیت رسمی شوروی را به ارث برده است. این گرایش شبکه‌ای از مساجد و امام‌ها را حفظ می‌کند که در طول دوره شوروی تاسیس شده بود و کاملاً در خدمت حاکمان محلی است. به عبارت دیگر این گرایش، غیر نظامی است و از برخی طرق به عنوان سپری در برابر اشتباهات صورت گرفته توسط گروه‌های نظامی خدمت می‌کنند. دومین گرایش به جنبش‌های کم و بیش میانه رو، شبیه «حزب التحریر الاسلامی» وابسته است. سومین گرایش مربوط به احیاء یا تجدید حیات اسلامی است که در صوفی‌گری مجسم شده است. همان‌طور که مشهور است صوفی‌گری نقش مهمی در سنت‌های آسیای مرکزی ایفا کرده است. (Bennigsen 1985b) متأسفانه هیچ چاپ جدیدی که خوانندگان را از جایگاه واقعی انجمن‌های اخوت آگاه کند در دسترس نیست. به خصوص نقشبندیه که یکی از گسترده‌ترین انجمن‌های اخوت است. چهارمین گرایش، به جنبش‌های رادیکال، شبیه جنبش اسلام‌گرایان در ازبکستان اشاره دارد. گسترش اسلام نظامی در ازبکستان و قرقیزستان (به ویژه در دره فرغانه) یک پدیده جدید است. بنابراین جزئیاتی که به وسیله «رشید» ارائه شده است همانطور که اشاره شد بسیار مهم است.

سه گرایش آخری که در بالا آمد (دست کم از دید اسلام کریموف) اغلب با وهابیت وابسته‌اند. این اصطلاح اغلب منتسب به جنبش‌های بنیادگرایی است که حمایت دولت مرکزی را ندارد و در برنامه خود به جنبش خنثی که از عربستان سعودی برخاسته محدود نیستند. در حال حاضر به نظر می‌رسد که تمام مسلمان‌هایی که قدرت کریموف را تهدید می‌کنند انگ و وهابیت می‌خورند.

تاکید بر این نکته اهمیت دارد که عربستان سعودی، ترکیه و در حد کمتر ایران و پاکستان تلاش کردند تا بر احیاء اسلام در آسیای مرکزی تاثیر داشته باشند. در موارد مشخص این کشورها در تلاش برای اغوای مسلمانان شوروی سابق به اسلام مد نظر خود، مساعدت‌های مالی کلانی ارائه به این کشورها ارائه کرده‌اند.

در هر کدام از این طرح‌ها دلایل متعددی وجود دارد که بخش‌هایی از مردم را به طرف جنبش‌های اسلامی سوق دهد. کتاب‌هایی که در این مقاله بررسی شد همگی به طور مساوی بر این امر تاکید دارند که کاهش استاندارد های زندگی و بیکاری محلی، خود بزرگترین دلیل گسترش جنبش‌های اسلامی - نظامی است. به دلایل بال ، ما باید فقدان دموکراسی، فساد انبوه و ناکامی-های همیشگی که معلول معلول بروکراسی کفکایی بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی است را اضافه کنیم. سیاستمداران تعلیم دیده در شوروی از برقراری اصلاحات عمیق امتناع کردند؛ و این حقیقت خدمتی بود برای تقویت شدن جنبش‌های اسلامی، که به نسل های جوان دنیایی را برای زندگی بهتر وعده می‌دادند. از فضای روزگار اسلام گرایان همانند کمونیست‌ها یک پروژه کلی از اصلاحات اجتماعی را به منظور آزادی مردم از فلاکت موجود پیشنهاد کردند. طبق عقیده اکثر مبارزان، بهترین شیوه برای تحقق بخشیدن به این دنیای جدید، اعمال شریعت و آگاه نمودن توده ها از کلمه خداست. این نوع سخنوری برای جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان ، معمولی است. با نگاه از یک زاویه مشخص، طرح اسلام گرایان به همان اندازه بی اساس بود که تاسیس یک جامعه بدون طبقه، یعنی همان آرمان کمونیست های قدیمی. مهم است که به این نکته توجه کنیم که تشدید سرکوبی جنبش‌های رادیکال-که هدف آن ها وضع کردن شریعت است- به وسیله دولت های مختلف آسیای مرکز فقط یک تشدید خشونت را ترویج می‌کند. در نتیجه حقوق انسان‌ها اغلب نادیده گرفته می شود. همان طور که به شکل صحیح به وسیله «سوکک» مطالعه شده، واکنش دولتمردان در دوره شوروی به صورت کاملاً مستحکم در ذهن صاحب منصبان قدیمی باقی مانده است.

در پایان می‌خواهم خوانندگان را به تفکر در مورد یک سری سؤال‌های مربوط به آینده بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی دعوت کنم. آیا مداخله آمریکا در افغانستان بر جنبش‌های بنیاد گرایی که به کمک نظام طالبان آمدند غلبه می‌کند؟ آیا ما واقعا پایان این جنبش‌ها را دیده‌ایم یا این فقط یک غیبت موقت دیگر

است؟ چیزی که مشخص است و آن این که: پایان رژیم طالبان باید روی ظهور دوباره جنبش‌های اسلامی رادیکالی در ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان تاثیر منفی داشته باشد. مهم است که این واقعیت را برجسته کنیم که ثبات این منطقه وابسته به پیشرفت (یا پسرفت) اسلام نظامی در این سه منطقه است. در حال حاضر موقعیت در قزاقستان و ترکمنستان حداقل در ظاهر آن خوب است. به هر حال غرور و کارهای بیهوده «نیازف» نهایتاً ممکن است برای او مسئله ساز شود و حتی احتمال دارد محرک سقوط او از قدرت باشد. آیا می‌توانیم برای لحظه‌ای نقش داشتن احزاب سیاسی اسلامی در انتخابات قانونی تمام کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی را تصور کنیم؟ آیا منطقه روزی به تاسی از ترکیه قدرت میانه رو اسلامگرایی را بر سرکار خواهد آورد؟ دست کم در حال حاضر این امر تا حد زیادی غیر محتمل به نظر می‌رسد. در سطح دیگر آیا رهبران سیاسی - به منظور جلوگیری از بنیاد گرایان رادیکال از عضو گیری در آینده ° نهایتاً اصلاحات درست اجتماعی - اقتصادی را به منظور بهبود بخشیدن زندگی مردم می‌پذیرند؟ به نظر می‌رسد بسیاری از تحلیلگران طرفدار این ایده هستند که که تنها راه حل مناسب برای تمام مشکلات آسیای مرکزی نفت است. آیا همان گونه که در بعضی از کشورهای خاورمیانه بود، بهره برداری از لایه‌های نفت و گاز طبیعی، کلید توسعه اقتصادی این منطقه است؟ آیا ثروت حاصله باعث قطع نیروگیری از میان پرولتاریا توسط جنبش‌های افراط‌گرای اسلامی خواهد شد؟ سرانجام آینده بستگی به عمل‌انمایی دارد که ما ممکن است آن‌ها را صاحب منصبان جدید بنامیم. آنها یا همچنان تحت تاثیر الگوی وقایع گذشته باقی خواهند ماند و یا خود را از ساختارهای قدیمی القاشده طی چندین دهه کمونیزم رها خواهند ساخت. یا از واکنش‌های برقرار شده در دهه‌های کمونیزم فرار کنند.

منابع

- Bennigsen, A., 1985a. Muslims of the Soviet Empire: A Guide. C. Hurst, London.
- Bennigsen, A., 1985b. Mystics and Commissars: Sufism in the Soviet Union. C. Hurst, London.
- Bennigsen, A., Broxup, M., 1983. The Islamic Threat to the Soviet State. Croom Helm, London.
- Dani, A.J., Masson, V.M. (Eds), 1977° 2000. History of Civilisations of Central Asia. UNESCO, Paris, 4 vols.
- Dudoignon, S., Komatsu, H. (Eds.), 2001. Islam in Politics in Russia and Central Asia in Early 18th° Late 20th Centuries. Kegan Paul, London
- Esposito, J., 1999. The Islamic Threat: Myth or Reality? Oxford University Press, New York, Oxford.
- Faaaaaaaa aaa aaaaaaaaaaeceeee AAaeccerrraFFF FFFFHã....
- Huntington, S., 1993. The clash of civilizations. Foreign Affairs 72(3), 22° 49.
- Huntington, S., 1996. The Clash of Civilizations. Simon & Schuster, New York.
- Lewis, B., 2002. What Went Wrong? Oxford University Press, Oxford.
- Polonskaya, L., Malashenko, A., 1994. Islam in Central Asia. Garnet Publishing, Reading.
- Powell, D.E., 1975. Antireligious Propaganda in the Soviet Union: A Study of Mass Persuasion. MIT Press, Cambridge, MA.
- Rashid, A., 2002. Taliban: Militant Islam, Oil and Fundamentalism in Central Asia. Yale University Press, New Haven.
- Roi, Y., 2000. Islam in the Soviet Union from the Second World War to Gorbachev. Hust, London.
- Roux, J.-Pss sssss sss sssre ee AAaeccentrale. Fayard, Paris.
- Roy, O., 1997. La Nouvelle Asie Centrale. Seuil, Paris.
- Roy, O., 2000. Islam et Politique en Asie centrale. Archives de Sciences Sociales des Religions 115, 49° 62.
- SeeAAAAA222 22222222iiaaaa eeiiiiii i aii lll ll ll l iis.
- Tibi, B., 2001. Islam Between Culture and Politics. Palgrave, New York.
- Tibi, B., 1998. The Challenge of Fundamentalism: Political Islam and the New World Disorder. University of California Press, Berkeley
- Zaconne, ,, L ImmmmAaeccerrraee et le monde musulman: Restructuration et interfe´rences. He´rodote 84, 57° 76